



دانشگاه سیام نور
پیه

روان‌شناسی شخصیت

(رشته علوم تربیتی)

دکتر یوسف کریمی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

پیشگفتار مؤلف	یازده
بخش اول: تعریف، عوامل ایجاد کننده و رشد شخصیت	۱
فصل اول: مقدمات و تعاریف	۳
ضرورت و فایده‌ی مطالعه‌ی روان‌شناسی شخصیت	۵
فصل دوم: عوامل به وجود آورنده‌ی شخصیت	۸
وراثت	۹
ژنتیک و انتقال صفات	۹
دستگاه اعصاب و انواع شخصیت	۱۲
هورمون‌ها و شخصیت	۱۳
محیط	۱۷
فصل سوم: رشد شخصیت	۲۲
دوره شیرخوارگی	۲۳
ریشه‌ی واکنش‌های اجتماعی	۲۷
ریشه‌های دلبستگی فرزند به مادر	۲۹
رفتارهای اکتشافی	۳۱
ریشه‌های اضطراب	۳۳
آغاز سخن‌گویی	۳۴
الگوهای فرزندپروری و اجتماعی شدن کودک	۳۶
دوره پیش دبستانی	۳۸
زبان و رشد اجتماعی	۳۹

۴۰	فرایندهای اصلی در رشد شخصیت
۴۱	ساختار خانواده
۴۲	تفاوت‌های جنسی
۴۳	عدم حضور پدر و شاغل بودن مادر
۴۵	آثار اولیه‌ی گروه همسالان
۴۷	دوره‌ی دبستانی (کودکی میانه)
۴۶	مدرسه به‌عنوان یک عامل اجتماعی کردن
۴۷	انگیزه‌ی پیشرفت و فرایند اجتماعی شدن
۴۹	دوره‌ی بلوغ
۵۰	رشد بدنی در دوره‌ی بلوغ
۵۲	رشد عقلی و پیشرفت‌های درسی
۵۳	خود مختاری، طغیان، و روابط خانوادگی
۵۵	روابط با دوستان و همسالان

۵۹ **بخش دوم: نظریه‌های شخصیت**

۶۱ **فصل چهارم: نظریه‌های روانکاوانه**

۶۲	الف) نظریه‌ی فروید
۶۴	ساختار شخصیت
۶۵	رشد روانی جنسی از نظر فروید
۶۹	رشد شخصیت و مکانیسم‌های دفاعی
۷۳	انتقاد از نظریه‌ی فروید
۷۴	ب) نظریه‌ی تحلیلی یونگ
۷۵	ساختار شخصیت از نظر یونگ
۷۸	تیپ‌های شخصیتی در نظریه‌ی یونگ
۷۹	انتقاد از نظریه‌ی یونگ
۸۰	ج) آدلر و روان‌شناسی فردی
۸۵	نقد نظریه‌ی روان‌شناسی فردی

۸۷ **فصل پنجم: نظریه‌های نوروانکاوای یا نوفرویدی**

۸۸	اریک فروم
۸۹	دیدگاه فروم نسبت به فروید
۹۰	مفاهیم بنیادی نظریه‌ی فروم
۹۰	الف) آزادی در برابر امنیت تعارض بنیادی آدمی
۹۳	ب) مکانیزم‌های روانی برای بازیابی امنیت
۹۵	پ) رشد شخصیت در دوران کودکی
۹۷	ت) نیازهای روان‌شناختی

- ۱۰۱ ث) نسخ‌های منشی بارور و نابارور
 ۱۰۴ ج) نفوذ و تأثیر جامعه
 ۱۰۶ ارزیابی نظریه اریک فروم

فصل ششم: نظریه‌های شناختی

- ۱۱۲ جورج کلی و نظریه سازه‌های شخصی
 ۱۱۳ سازه‌های شخصی: راه‌های پیش‌بینی و تعبیر و تفسیر رویدادهای زندگی
 ۱۱۶ اصل موضوعه بنیادی
 ۱۱۸ شباهت میان رویدادهای مکرر
 ۱۱۹ تفاوت‌های فردی در تعبیر و تفسیر رویدادها
 ۱۲۰ روابط میان سازه‌ها
 ۱۲۲ آزادی انتخاب
 ۱۲۴ گستره‌ی قابلیت پذیرش
 ۱۲۵ قرار گرفتن در معرض تجربه‌های تازه
 ۱۲۵ سازگار شدن با تجربیات تازه
 ۱۲۶ رقابت میان سازه‌ها
 ۱۲۷ شباهت‌های میان مردم در تعبیر رویدادها
 ۱۲۸ روابط متقابل اجتماعی
 ۱۲۹ تصور جورج کلی از ماهیت آدمی
 ۱۳۰ ارزیابی در نظریه کلی
 ۱۳۲ آزمون فهرست سازه‌ی نقش
 ۱۳۵ انتقاد از نظریه جورج کلی

فصل هفتم: نظریه‌های تیپ‌شناختی شخصیت

- ۱۳۸ طبقه‌بندی کرچمر
 ۱۴۰ طبقه‌بندی شلدون
 ۱۴۶ انتقاد از تیپ‌شناسی

فصل هشتم: نظریه‌های تحلیل عاملی

- ۱۴۹ نظریه کاتل درباره‌ی شخصیت
 ۱۵۰ جدول ویژگی‌های شخصیتی تهیه شده به وسیله‌ی کاتل
 ۱۵۲ نظریه آیزنک
 ۱۵۴ الف) جنبه‌های توصیفی شخصیت
 ۱۵۷ ب) جنبه‌های علی شخصیت
 ۱۶۰ نظریه‌های کوچک یا نظریه‌های نوار باریک
 ۱۶۰ الف) مکان کنترل

- ۱۶۱ (ب) شخصیت، ماکیاولی
 ۱۶۱ (ج) شخصیت نوع A
 ۱۶۲ (د) شخصیت اقتدار طلب یا نوع F

- ۱۶۵ **فصل نهم: نظریه‌های بشر دوستانه (انسان‌گرایانه)**
 ۱۶۶ آبراهام مزلو
 ۱۶۷ سلسله مراتب نیازها
 ۱۷۰ نیازهای شناختی: نیازهای دانستن و فهمیدن
 ۱۷۱ استثنائاتی بر سلسله مراتب نیازها
 ۱۷۱ شخصیت سالم: رشد و پرورش افراد خود شکوفا
 ۱۷۲ ویژگی‌های افراد خود شکوفا
 ۱۷۷ نقد نظریه مزلو

- ۱۸۲ **فصل دهم: نظریه یادگیری اجتماعی**
 ۱۸۳ جولیان راتر
 ۱۸۳ دیدگاه راتر نسبت به افکار اسکینر و بندورا
 ۱۸۵ مفاهیم نظریه یادگیری اجتماعی راتر
 ۱۹۱ نظر راتر در مورد انگیزش رفتار
 ۱۹۲ نیازهای آدمی از دید راتر
 ۱۹۳ مکان کنترل درونی و بیرونی
 ۱۹۴ تصور راتر درباره‌ی انسان
 ۱۹۶ روش‌های راتر برای سنجش مفاهیم نظریه خود
 ۱۹۸ ارزیابی نظریه جولیان راتر

- ۲۰۴ **فصل یازدهم: دیدگاه التقاطی و انگیزشی شخصیت**
 ۲۰۵ هنری موری
 ۲۰۸ اصول اصلی نظریه موری درباره‌ی شخصیت
 ۲۱۰ بخش‌های شخصیت: نهاد، خود، فراخود
 ۲۱۲ نیازها: انگیزه‌های رفتار
 ۲۱۶ مقوله‌بندی نیازها
 ۲۱۸ ویژگی‌های دیگر نیازها
 ۲۲۰ عقده‌ها: رشد شخصیت
 ۲۲۳ تصور موری از طبیعت آدمی
 ۲۲۴ شخصیت سنجی در نظریه موری
 ۲۲۶ پژوهش فردنگر، در برابر پژوهش قانون‌نگر
 ۲۲۶ ارزیابی نظریه موری

۲۳۲	فصل دوازدهم: اختلال‌های شخصیت
۲۳۴	اختلال شخصیت اجتنابی
۲۳۷	اختلال شخصیت اسکیزوئید
۲۴۰	اختلال شخصیت اسکیزوفرنی گونه
۲۴۴	اختلال شخصیت پارانوئید
۲۴۷	اختلال شخصیت خودشیفته
۲۵۱	اختلال شخصیت ضد اجتماعی
۲۵۵	اختلال شخصیت مرزی
۲۵۹	اختلال شخصیت وابسته
۲۶۲	اختلال شخصیت وسواس فکری - عملی
۲۶۶	اختلال شخصیت هیستریایی
۲۷۱	فصل سیزدهم: اختلالات شخصیت
۲۷۱	اختلالات شخصیت
۲۸۵	فصل چهاردهم: سنجش شخصیت
۲۸۶	اندازه‌گیری خصیصه‌ها به وسیله‌ی مشاهده‌ی مستقیم و آزمون
۲۸۷	اندازه‌گیری خصیصه‌ها از طریق گزارش شخصی
۲۸۹	مصاحبه‌های بالینی
۲۹۰	ارزیابی روش‌های عینی سنجش شخصیت
۲۹۱	روش‌های فرافکن
۲۹۲	آزمون رورشاخ
۲۹۴	آزمون اندریافت موضوع
۲۹۵	آزمون نقاشی آدم
۲۹۶	آزمون طرح‌های دیداری - حرکتی بندر
۲۹۶	ارزشیابی روش‌های فرافکن
۳۰۰	فهرست منابع

پیشگفتار مؤلف

روان‌شناسی شخصیت حوزه بسیار گسترده‌ای است. زیرا شخصیت خود موضوعی است پیچیده و دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است. برای شناخت شخصیت انسان. از دیرباز کوشش‌های فراوانی به عمل آمده که برخی از آن‌ها غیرعلمی، بعضی خرافاتی، و معدودی دیگر علمی و معتبر است. نظریه‌های متنوع و مختلفی در مورد چگونگی شکل‌گیری شخصیت، عوامل مؤثر در این شکل‌گیری، عوامل تشکیل‌دهنده شخصیت و از این قبیل عرضه شده است که بعضی کوشیده‌اند پاسخگوی همه سؤالات در مورد شخصیت انسان باشند و برخی تنها به چند جنبه شخصیت پرداخته‌اند.

به علت همین گستردگی دامنه موضوع کتاب‌های روان‌شناسی شخصیت می‌باید بسیار مفصل و پر حجم باشند. اما چون هدف از کتاب حاضر ارائه مطالب برای دو واحد درس روان‌شناسی شخصیت در دوره کارشناسی بوده است تنها برگزیده و گلچینی از مطالب مربوط به این حوزه ارائه شده است. طبیعی است که در این انتخاب سلیقه و علائق مؤلف نیز دخالت داشته است و به هیچ وجه این ادعا وجود ندارد که آنچه در اینجا آمده پاسخگوی همه سؤالات خوانندگان به مبحث شخصیت باشد. خوانندگان علاقه‌مند به داشتن اطلاعات بیشتر می‌توانند به منابعی که در پایان کتاب آمده است مراجعه کنند. از دانشجویان گرامی انتظار می‌رود که هر نکته انتقادی که در حین مطالعه کتاب به نظرشان می‌رسد، مؤلف را کتباً یا شفهاً در جریان بگذارند تا نسبت به رفع نقائص و ویرایش هرچه بیشتر کتاب اقدام لازم به عمل آید. با سپاس و تشکر از این همکاری شما.

یوسف کریمی

بخش اول

تعریف، عوامل ایجادکننده، و رشد شخصیت

فصل اول

مقدمات و تعاریف

هدف‌های رفتاری

از شما انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتوانید:

۱. تمیز بین شخصیت به مفهومی که در زبان عامه به کار می‌رود و مفهوم روان‌شناختی آن را بیان کنید.

۲. تعریفی از شخصیت عرضه کنید که در برگیرنده خصوصیات تعریف‌های مختلف شخصیت باشد.

۳. در یک پاراگراف ضرورت و فایده مطالعه روان‌شناسی شخصیت را بیان کنید.

۴. اصطلاح شخصیت را از نظر لغوی ریشه‌یابی کنید.

صاحب‌نظران حوزه شخصیت و روان‌شناسی از کلمه شخصیت تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. از نظر ریشه‌ای، گفته شده است که کلمه شخصیت که معادل کلمه Personality انگلیسی یا *Personalité* فرانسه است در حقیقت از ریشه لاتین *Persona* گرفته شده که به معنی نقاب یا ماسکی بود که در یونان و روم قدیم بازیگران تئاتر بر چهره می‌گذاشتند. این تعبیر تلویحاً اشاره بر این مطلب دارد که شخصیت هر کس ماسکی است که او بر چهره خود می‌زند تا وجه تمیز او از دیگران باشد.

در زبان عامه، شخصیت به معانی دیگری به کار می‌رود. مثلاً وقتی گفته می‌شود که کسی با شخصیت است یعنی اینکه او دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند افراد دیگر را تحت نفوذ خود قرار دهد یا متانت و وقار ویژه‌ای دارد. همین‌طور در برابر آن

بی‌شخصیت به معنی داشتن ویژگی‌های منفی است که البته باز هم دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما در جهت منفی. همچنین کلمه شخصیت در عرف به‌عنوان چهره مشهور و صاحب صلاحیت در حوزه‌های مختلف به‌کار می‌رود، همچون شخصیت سیاسی، شخصیت علمی، شخصیت هنری و از این قبیل. اما در روان‌شناسی، شخصیت به مفهومی متفاوت از آنچه ذکر شده تعریف می‌شود. مثلاً در روان‌شناسی همه کس دارای شخصیت است و بنابراین اصطلاحی به نام بی‌شخصیت در روان‌شناسی وجود ندارد. در اینجا برخی از تعریف‌هایی که از شخصیت شده است عرضه می‌شوند:

«شخصیت مجموعه تفکیک‌ناپذیر آن خصایص بدنی و نفسانی است که شناخته‌دوستان نزدیک شخص یا به عبارت دیگر، آن نقاب یا ماسکی است که فرد برای سازش با محیط، که در حقیقت نوعی بازیگری در صحنه زندگی است، به چهره خود نهاده است.» (شخصیت از دیدگاه مکاتب، ایزدی، ۱۳۵۱).

«شخصیت سازمان پویای جنبه‌های ادراکی و انفعالی و ارادی و بدنی (شکل بدن و اعمال حیاتی بدن) فرد آدمی است.» (شلدون^۱، به نقل از نظریه‌های شخصیت، سیاسی، ۱۳۶۷).

«شخصیت مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها و گرایش‌هاست که مشابهت و تفاوت‌های رفتار روان‌شناختی افراد (افکار، احساسات، و اعمال) را که دارای تداوم زمانی بوده و ممکن است به واسطه فشارهای اجتماعی و زیست‌شناختی موقعیت‌های بلاواسطه شناخته شوند یا به آسانی درک نشوند مشخص می‌کند.» (نظریه‌های شخصیت، مدی^۲، ۱۹۷۲).

«شخصیت الگویی از رفتار اجتماعی و روابط اجتماعی متقابل

است. بنابراین شخصیت یک فرد مجموعه‌ی راه‌هایی است که او نوعاً نسبت به دیگران واکنش یا با آن‌ها تعامل می‌کند.» (رشد شخصیت، فرگوسن^۱، ۱۹۷۰).

«شخصیت هر فرد همان الگوی کلی یا همسازی ساختمان بدنی، رفتار، علائق، استعدادها، توانایی‌ها، گرایش‌ها و صفات دیگر اوست. به این ترتیب، می‌توان گفت که منظور از شخصیت، مجموعه یا کل خصوصیات و صفات فرد است.» (اصول روان‌شناسی، مان^۲، ترجمه ساعتچی، ۱۳۵۶).

«شخصیت عبارت است از الگوهای رفتار و شیوه‌های تفکر که سازگاری فرد با محیط را تعیین می‌کنند.» (آتکینسون^۳ و هیلگارد^۴، مقدمه بر روان‌شناسی، ۱۹۸۳).

اگر وجوه مشترک تعریف‌های فوق را مورد نظر قرار دهیم می‌بینیم که اولاً همه آن‌ها به یک رشته از ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روانی اشاره دارند. ثانیاً در همه تعریف‌ها به مسأله تمایز، افتراق، و مشخص کردن فرد از افراد دیگر به‌طور صریح یا به‌طور تلویحی اشاره شده است. بنابراین می‌توانیم به تعریفی قابل قبول برسیم که به‌طور نسبی حاوی ویژگی‌های مشترک تعریف‌های ذکر شده باشد «شخصیت عبارت است از مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی، و رفتاری که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند.»

ضرورت و فایده مطالعه روان‌شناسی شخصیت

درک لزوم مطالعه روان‌شناسی شخصیت چندان دشوار نیست. شناخت شخصیت، ویژگی‌ها، چگونگی شکل‌گیری، عوامل مؤثر در ایجاد شخصیت و مسائلی از این قبیل، از یک جنبه ارضای حس کنجکاوی و میل به حقیقت‌جویی را در انسان به دنبال دارد، زیرا این شناخت نوعی خودشناسی است و شخص هنگام مطالعه موضوع‌های ذکر شده

1. Ferguson
2. Mann
3. Atkinson
4. Hilgard

غالباً آن دانسته‌ها را با خود مقایسه کرده و با خود تطبیق می‌دهد و احتمالاً با این شناخت نوعی طبقه‌بندی انجام می‌دهد، یعنی خود را در یکی از تیپ‌های شخصیتی قرار می‌دهد یا دارای ویژگی‌های شخصیتی خاص می‌بیند.

از سوی دیگر این شناخت‌ها و اطلاعات به شخص امکان می‌دهد که در ارتباط متقابل با دیگران موضع‌گیری‌های مناسب و آگاهانه داشته باشد. به عنوان مثال، اگر مادری بداند که کودکان در حدود سنین ۳ تا ۴ سالگی بیشترین میزان حسادت را نشان می‌دهند، چنانچه کودک خود را در این سنین حسود ببیند دچار نگرانی و اضطراب نخواهد شد زیرا می‌داند که این ویژگی یک حالت طبیعی در سن خاص کودک او است همچنین معلمی که در کلاس خود با نوجوانان سر و کار دارد، در صورتی که اطلاع داشته باشد که نوجوان در یک مرحله شکل‌گیری شخصیت خود حالت ابراز وجود و خودنمایی دارد و این ابراز وجود ممکن است به شکل مقاومت و مخالفت با بزرگ‌ترها بروز کند، در برابر مخالفت احتمالی شاگردی با خود او واکنش مناسب نشان داده و از نشان دادن شدت عمل که ممکن است به برخوردهای نامطلوب‌تری بیانجامد خودداری خواهد کرد.

اگر از جنبه دیگری هم به این شناخت بنگریم، می‌بینیم که داشتن اطلاعات و دانش لازم درباره شخصیت تنها به کار عادی دانستن برخی رفتارها در مراحل مختلف رشد شخصیت نمی‌آید. بلکه این دانش در پیشگیری یا اقدام احتمالی در مورد بروز اختلالات و نابسامانی‌های شخصیتی نیز می‌تواند به کمک فرد بیاید. به عنوان مثال وقتی والدین می‌دانند که شیوه تربیتی خشن سبب ضداجتماعی شدن و پرخاشگر شدن کودکان می‌شود. خواهند توانست شیوه تربیتی خود را برای پیشگیری از چنین نتایج ناگواری تنظیم کنند، و در عین حال چنانچه اختلالاتی از این لحاظ بروز کند، می‌توانند، با دانش خود از روان‌شناسی شخصیت، به چاره‌جویی برخیزند و از وخیم‌تر شدن اوضاع جلوگیری کنند.

خلاصه

شخصیت معادل کلمه انگلیسی Personality و Personalité فرانسه است که هر دو اقتباس از کلمه Persona به معنی نقاب یا ماسکی است که در یونان قدیم در میهمانی‌ها

بر چهره می گذاشتند.

اگرچه شخصیت در زبان عامه و در عرف معانی مختلفی دارد، اما در روان‌شناسی شخصیت به مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی، و رفتاری که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند اطلاق می‌شود.

مطالعه و شناخت شخصیت هم از جنبه ارضای حس کنجکاوی و هم از نظر روابط متقابل اجتماعی دارای اهمیت است. آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی کودکان برای والدین اهمیت پیدا می‌کند زیرا نحوه رفتار و برخورد با آن‌ها را در دوره‌های مختلف رشد تعیین می‌کند. برای معلمان این شناخت می‌تواند در چگونگی برخورد و حتی چگونگی عرضه کردن اطلاعات درسی به شاگردان در سنین مختلف راه‌های خوبی باشد. و بالأخره این شناخت می‌تواند برای پیشگیری از برخی مسائل رفتاری و اخلاقی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

خودآزمایی فصل اول

۱. مفهوم روان‌شناختی شخصیت را بیان کنید.
۲. تعریفی جامع از شخصیت ارائه دهید.
۳. ضرورت و فایده مطالعه روان‌شناسی شخصیت را بنویسید.
۴. معنی لغوی اصطلاح شخصیت را بیان کنید.

فصل دوم

عوامل به وجود آورنده شخصیت

هدف‌های رفتاری

۱. از شما انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتوانید.
۲. عوامل وراثتی به وجود آورنده شخصیت را نام ببرید.
۳. چگونگی انتقال صفات را از طریق کروموزوم‌ها و ژن‌ها توضیح دهید.
۴. عواملی را که سبب تغییر ژن‌ها می‌شوند به اختصار توضیح دهید.
۵. نقش دستگاه اعصاب را در ایجاد تیپ‌های شخصیتی مختلف بیان کنید.
۶. اهمیت هورمون‌ها را در شکل دادن شخصیت به اختصار توضیح دهید.
۷. لاکل سه هورمون مهم را که از غدد درون‌ریز ترشح می‌شوند نام برده تأثیر اختلال در ترشح آن‌ها را در ایجاد تغییرات شخصیتی بیان کنید (بجز مثال‌های داده شده در خلاصه فصل).
۸. نقش محیط را در شکل دادن شخصیت با ذکر یکی دو نمونه نشان دهید.
۹. انواع تیپ‌های شخصیتی را بر حسب انواع دستگاه عصبی به صورتی که پاولوف بیان کرده است توضیح دهید.
۱۰. در یک سطر بیان کنید که محیط و وراثت کدامیک در شکل‌دهی شخصیت نقش مهم‌تری دارند.

عوامل به وجود آورنده شخصیت

چون شخصیت را مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی در افراد توصیف کردیم، بنابراین آنچه به وجود آورنده این ویژگی‌ها به شمار می‌آید، شخصیت نامیده می‌شود. بخش اول این ویژگی‌ها، یعنی ویژگی‌های جسمی ساخته وراثت و بخش دیگر آن زائیده عوامل اجتماعی یا محیط است. تعیین اینکه کدام یک از این دو عامل نقش مهمتری در ایجاد شخصیت دارند، کار غیرممکنی است. اما بدیهی است که شخصیت هر فرد حاصل تعامل و تأثیر متقابل هر دو عامل است بدین معنی از یکسو عوامل محیطی، در چهارچوب امکانات و محدودیت‌های فیزیولوژیکی و ساختار توارثی، فعالیت می‌کنند، و از سوی دیگر توانایی‌های بالقوه، که عمدتاً محصول توارث‌اند، هنگامی می‌توانند شکوفا شوند و از قوه به فعل درآیند که محیط مناسبی برای شکوفا شدن داشته باشند.

وراثت

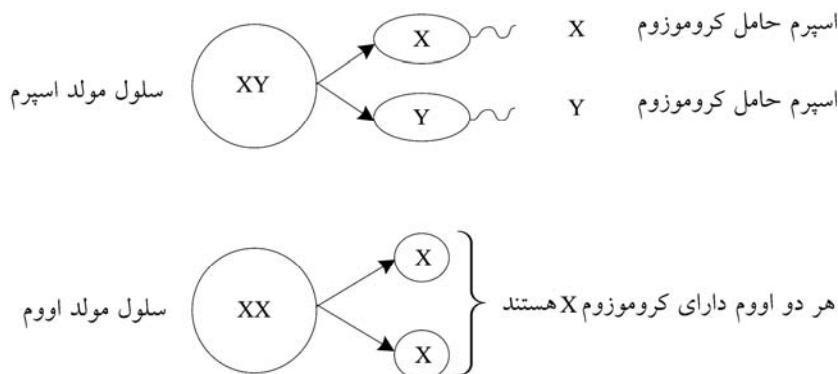
ژنتیک و انتقال صفات

از لحظه‌ای که یک اسپرماتوزوئید^۱ یا سلول جنسی نر با یک اووم^۲ یعنی سلول جنسی ماده در جریان عمل لقاح ترکیب می‌شود، نخستین سنگ بنای شخصیت فرد گذاشته می‌شود. در جریان این ترکیب رشته‌های باریکی نیز از هر دو سلول در کنار هم قرار می‌گیرند به نام کروموزوم^۳ که خود این رشته‌ها حامل ذرات ریزی هستند به نام ژن^۴ و این ژن‌ها ناقلاً اصلی صفات ارثی والدین به فرزندان هستند. هر سلول معمولی بدن انسان دارای ۲۳ جفت کروموزوم است که این تعداد در سلول‌های جنسی نر ۲۳ عدد و در سلول جنسی ماده نیز ۲۳ عدد است. به این ترتیب وقتی سلول جنسی نر با سلول جنسی ماده ترکیب می‌شود، هر یک ۲۳ کروموزوم با خود وارد ترکیب می‌کند و در نتیجه سلول ترکیب شده، که در واقع نخستین سلول یک انسان کامل است دارای ۲۳ جفت کروموزوم می‌شود. همچنین چون سلول جنسی نر و ماده با خود ۲۳ کروموزوم حمل می‌کند یعنی سلول جنسی پدر ۲۳

1. Spermathezoid
2. Ovum
3. Chromosome
4. Gene

کروموزوم و سلول جنسی مادر نیز ۲۳ کروموزوم، سلول ترکیب شده، یعنی سلول فرزند نیمی از خصوصیات خود را از پدر و نیم دیگر را از مادر می‌گیرد.

نکته دیگر در فرایند ترکیب اسپرم و اووم آن است که ۲۳ جفت کروموزوم در زنان و ۲۳ جفت کروموزوم در مردان هر جفت شبیه به هم بوده و در واقع مشابه کروموزوم‌های سلول‌های جنسی پدر و مادر دو به دو با هم جفت می‌شوند، اما جفت بیست و سوم در زنان شبیه به هم بوده و بسیار درشت است و به نام XX خوانده می‌شود درحالی‌که جفت بیست و سوم در سلول مردان غیرمشابه‌اند، به همین جهت یکی را X و دیگری را Y و زوج آن را به صورت XY می‌نامند. زوج بیست و سوم تعیین‌کننده جنسیت فرد است به این ترتیب که همانگونه که اشاره شد، در سلول‌های جنسی تعداد کروموزوم‌ها به ۲۳ عدد کاهش پیدا می‌کنند، بنابراین سلول‌های مولد سلول جنسی زن به دو سلول جنسی تقسیم می‌شوند که هر یک دارای یک کروموزوم X است. سلول‌های مولد سلول جنسی مرد نیز به دو سلول جنسی تقسیم می‌شوند اما یکی دارای کروموزوم X است و دیگری دارای کروموزوم Y. حال در جریان ترکیب سلول‌های جنسی نر و ماده چنانچه سلول جنسی دارای کروموزوم X مرد با سلول جنسی زن که حاوی کروموزوم X است ترکیب شود، سلول حاصله از نظر کروموزومی به صورت XX بوده و فرزند دختر خواهد بود. اما اگر سلول جنسی نر که حاوی کروموزوم Y است با سلول جنسی ماده که دارای کروموزوم X است ترکیب شود، سلول حاصله از نظر کروموزومی به صورت XY بوده و فرزند پسر خواهد بود. تصاویر زیر این فرایند را به‌طور روشن نشان می‌دهند.



شکل ۲-۱. چگونگی تقسیم سلول‌های مولد سلول جنسی به اسپرم و اووم. اقتباس از دکتر بهزاد (۱۳۶۱).